

Majallah Tahqiq
Research Journal of
the Faculty of Oriental Learning
Vol: 36, Sr.No.101, 2015, pp 79 - 86

مجله تحقیق
مجله کلیه علوم شرقیه
جلد ۳۶، اکتوبر- دسمبر ۲۰۱۵ء، شمارہ ۱۰۱

تشخیص در غزلیات منیر لاهوری

ڈاکٹر سید محمد فرید ☆ سائرہ عبدالقدوس ☆ ☆

Abstract:

Stylistic devices is a literature and writting term. This stylistic devices is popular in all over the world in different language. Almost all poets of the persian literature used the personification in their poetry druing different time periods. In this article, Personification in the Poetry of Muneer Lahori.

Key Words: تشخیص، منیر، ادب، لاہور

تشخیص در لغت به معنی تغیرن دادن، شخصیت بخشیدن است (سیما):
۱۳۷۱ش: ص: ۷۷، شفعی: ۱۳۷۲ش: ص: ۱۴۹، شریعت: ۱۳۷۵ش:
ص: ۵۴) امداد اصطلاح بیان و نقد ادبی انتساب و یژگی یا احساسات انسانی به
اشیای بی جان موجودات غیر بشری، یا اندیشه های انتزاعی است (رادفر: ۱۳۶۸ش: ص: ۳۵۹، زرین کوب: ۱۳۷۹ش: ص: ۶۹۵)

☆ اسٹنٹ پروفیسر، شعبہ فارسی پنجاب یونیورسٹی، لاہور

☆☆ پی۔ ایچ۔ ڈی سکالر، شعبہ فارسی پنجاب یونیورسٹی، لاہور

تشخیص نوعی از صور خیال است اگر چه در کتا بهای قدیم بیان و بلاغت فارسی شخصیت بخشی کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. تشخیص در شعر فارسی قالب خاص ندارد تقریباً هر شاعر در زمان قدیم این صنعت را بکار برده است. ابو البرکات منیر لاهوری شاعر و نویسنده بزرگ قرن یازدهم هجری قمری روز چهارشنبه در سال ۱۰۱۹ ق ۱۴۱۶ م در شهر لاهور زاد شد و درسی و شش سالگی روز دو شنبه در سال ۱۰۵۴ ق ۱۲۴۴ م در شهر اکبر آباد در گذشت، در اشعار خود تشخیص را بکار برده است. (بلگرامی: ۱۱۶۶ ق:ص ۶۱، لودی: ۱۳۷۷ ش:ص ۱۰۴، صدیقی: ۱۲۹۶ ق:ص ۱۷۷۴)

شعر منیر لطیف و نثرا و مانند نثرش دلنشین و زیبا است، آزا دبلگرامی در تذکره خود نوشته است ابوالبرکات لاهوری صاحب طبع منیر و نظم و لپذیر است (بلگرامی: ۱۱۶۶ ق:ص ۶۱) و مولف روز روشن چنین نوشته است: در سخنوران هند صاحب استعدادی مثلش کمتر خاسته (صبا: ۱۳۴۳ ش:ص ۷۷۴) منیر در عهد شا جهان (حک: ۱۰۱۳-۱۰۶۸ ق) به اکبر آباد رفت و به دربار میرزا و صفی ملقب به سیف خان (۱۰۴۹ ق) پیوست. او بعد از درگذشت میرزا و صفی به بنگال و آله آباد اقامت گزید در آخر به دربار شا جهان پیوست منیر درسی و شش سالگی در گذشت. آثار متعددی در صورت منظوم و منثور به یادگار گذاشت منیر در غزلیات خود تشخیص را بکار برده است و این صنعت در شعر او نقش مهمی دارد در این مقاله تشخیص در غزلیات منیر را بررسی کردیم به عنوان مثال اشعاری چند از تشخیص در ذیل آورده شده است.

آب شمشیر شهادت نیست کم ز آب حیات زندگی می بارد از خون شهیدان شما

در این شعر "زندگی می بارد" تشخیص است

بودن اسیر عشقت، دیگر نك ندار ای سبز سرو قامت، آزاد ساز مارا

در این شعر "امیر عشقت"، "آزاد ساز" تشخیص است

رنك رخسار تومی خواهد فروغ باده را معنی رنگین بود در کار لفظ ساده را

این مصرع "رنك رخسار تومی خواهد فروغ باده را" تشخیص است

سزد که موی به تن همچو سر و بر خیزد ز رشك جلوه قدت بتان رعنا را

این مصرع "سزد که موی به تن همچو سر و بر خیزد" تشخیص است

دیده بختم بود چون پنبه داغم سپید کور گردد آفتاب اراخترام بیند به خواب

در این شعر "کور گردد آفتاب"، "ارخترام بیند" تشخیص است

گل چو حرف گل شکر گردد عجب نبود اگر بعد از این گیرد چو طوطی خوه شرك عندلیب

در این شعر "حرف گل" تشخیص است

شهید گشته حیا تاز تیغ غمزئه تو ز سرمه چشم تودر ماتمش سیه پوش است

در این شعر "ماتمش" تشخیص است

فغان که عهد جوانی به صد شتاب گذشت سبك چو موسم گل موسم شباب گذشت

در این شعر "موسم شتاب" تشخیص است

انتخاب مصحف حسن آیت آبروی تست مطلع خورشید فردی از بیاض روی تست

در این شعر "مصحف حسن" تشخیص است

نی همین چاك گریبان دست پروردمن است درد، همداغ من است و داغ همدست من است

در این شعر "چاك گریبان" تشخیص است

چون نرگس سیاه تو مشق ستیزه کرد تعلیم گریه ابرز مژگان من گرفت

در این شعر "تعلیم گریه" تشخیص است

شد دردل شب، صبح نمودار زرویش ای دیده وضو ساز که هنگام نماز است

دراین شعر "دل شب" تشخیص است

دلم ز لذت اندیشه غافل افتاده است نگه میان من، دوست حایل افتاده است

دراین شعر "لذت اندیشه" تشخیص است

دورون سینه، دل افسرده شد زبی دردی فغان که گوهر نایاب در گل افتاده است

دراین شعر "فغان گوهر" تشخیص است

دل روشن دلان گشته اسیر است شب زلف تو زان روما هتا بی

دراین شعر "شب زلف" تشخیص است

لب لعل تو مارا خوشتر از می زنخدان تو مارا به زآبی است

این مصرع "لب لعل تو مارا خوشتر از می" تشخیص است

رخت به حلقه زلف آفتاب نیم شبی است به شب عیان شده خورشید این چه ابو العجی است

این مصرع "رخت به حلقه زلف آفتاب نیم شبی است" تشخیص است

ز تشنگی به لب کوثر از هلاک شوی به العطش مگشالب که نقص تشنه لبی است

دراین شعر "ز تشنگی"، "هلاک شوی" تشخیص است

بنفشه گر نکند سر، فسانه زلفت تنش کبود کند تازیانه زلفت

این مصرع "تنش کبود کند تازیانه زلفت" تشخیص است

بر دست تو نر سد زلف شانه شمشاد ز شک بید تر شند شانه زلفت

دراین شعر "زلف شانه شمشاد" تشخیص است

ہر کہ آن رخسار دلکش دیدہ است گل ز گلزار تمنا چیدہا است

دراین شعر "گلزار تمنا" تشخیص است

بیرون تراود از لب لعل تو نو شخند چون بادہ شکر کہ ز آتش چکیدہ است

دراین شعر "آتش چکیدہ" تشخیص است

عاشق خستہ از آن رو شدہ انگشت نما کہ از مہر مہ روی تو ہلالی شدہ است

دراین شعر "مہر مہ" تشخیص است

در چمن رفتی و گل را جلوه ات مدہوش ساخت باغبان را لال و شمع لالہ را خاموش ساخت

دراین شعر "مدہوش" تشخیص است

ای عارض تو نسخہ خورشید قیامت از دولت زلف تو شب فتنہ دراز است

دراین شعر "شب فتنہ" تشخیص است

دانستہ صبارہ چمن کردہ فراموش امروز مگر بند گریبان تو باز است

این مصرع "دانستہ صبارہ چمن کردہ فراموش" تشخیص است

غلط اہل لباس اندر بیان ناید بلی خواب مخمل را نیارد ہیچکس تعبیر کرد

دراین شعر "غلط اہل لباس" تشخیص است

چون ز تاب بادہ آن مہ صبر دشمن می شود خانہ آیینہ ازوی رشک گلشن می شود

این مصرع "چون ز تاب بادہ آن مہ صبر دشمن می شود" تشخیص است

از فروغ صبح رخسار تو ہنگام نگاہ دوش چون خورشید مژگانم سراسر نور باد

دراین شعر "خورشید مژگانم" تشخیص است

عشوه با چشم تو همد وشی کند فتنه باز لف تو سرگوشی کند

این مصرع "فتنه باز لف تو سرگوشی کند" تشخیص است

دل خیال و صف شوخ پر عتابی می کند شبنم لب تشنه، رو درآفتابی می کند

این مصرع "شبنم لب تشنه، رو درآفتابی می کند" تشخیص است

حلقه زلفت به رخ ازشانه چون درهم شود دیده خورشید گویی طرح خوابی می کند

دراین شعر "خورشید گویی" تشخیص است

درشب زلف تو باصبح بنا گوش تو دل از فروغ چهره، گشت ماهتابی می کند

دراین شعر "شب زلف"، "صبح بنا گوش" تشخیص است

زبس که جلوهٔ حنست بهار افشان است نگه زروی تو سامان صد چمن دارد

دراین شعر "جلوهٔ حنست بهار" تشخیص است

سجود سنبل تو طاعت صبا باشد خمار نرگس تونشه حیا باشد

دراین شعر "سجود سنبل" تشخیص است

شب چو ردل سرمی کند حرفی زرد همدوست گریه شب خون می زند، افسانه در خون می رود

دراین شعر "گریه شب خون می زند" تشخیص است

هرشب ازخون ریز دل در کوچه تاریک زلف تاسحرا فتادن، خیزان شانه در خون می رود

این مصرع "هرشب ازخون ریز دل در کوچه تاریک زلف" تشخیص است

ماه ازخیال روی تو روشن ضمیر شد خورشید هم به حلقه زلفت اسیر شد

این مصرع "خورشید هم به حلقه زلفت اسیر شد" تشخیص است

به دست شانه شمشاد ، زلف خویش مده تراکه پنجه خورشید، شانه می زبید

دراین شعر "دست شانه شمشاد" تشخیص است

آن حیا پیشه شنیدم سخنی می گوید سردبرگ سخنش گو سخنی ساخته اند

دراین شعر "سردبرگ سخنش" تشخیص است

زاشکم شنیم گل می توان کرد زآهم شاخ سنبل می تو ان کرد

دراین شعر "زاشکم شنیم گل" تشخیص است

غمزه هرگه که ازان نرگس جادو خیزد دل آشفته ام از شوق زبھلو خیزد

دراین شعر "نرگس جادو" تش

چو عارض تو سحر بی نقاب می گردد زشرم روی تو خورشید، آب می گردد

این شعر "زشرم روی تو خورشید، آب می گردد" تشخیص است



کتاب شناسی

- ۱- بلگرامی، غلام علی آزاد، ۱۱۷۱ ق، سرو آزاد، دکن
- ۲- داد، سیما، ۱۳۸۱ ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران
- ۳- رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۷۸ ش، فرهنگ بلاغی ادبی، ج: ۲، تهران
- ۴- شریعت، رضوان، ۱۳۸۵ ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران
- ۵- صدیق، محمد، ۱۲۹۱ ق، تذکرہ شمع انجمن، بهوپال
- ۶- صبا، محمد حسین، ۱۲۹۷ ق، تذکرہ روز روشن، بهوپال
- ۷- کدکنی، محمد رضا شفیعی، ۱۳۷۲ ش، صورخیال در شعر فارسی، تهران
- ۸- کوب، عبدالحسین زرین، ۱۳۷۹ ش، نقد ادبی، ج: ۲، تهران
- ۹- لودی، شیر علی خاں، ۱۳۷۷، تذکرہ مرآة الخیال، تهران
- ۱۰- منیر لاهوری، ۲۰۱۰، سرودہ ہا و نوشتہ ہا منیر لاهوری، تصحیح دکتر سید محمد فرید، تهران

